

گفت و شنود با آیت الله شیخ نجم الدین طیبسی

اساس مشروعیت نظام و ولایت فقیه مهدویت است

● **بسم الله الرحمن الرحيم** با تشکر از حضرتعالی که وقتی را در اختیار مجله پاسدار اسلام قرار دادید اجازه می‌خواهم اولین پرسش را با این نکته آغاز کنم که چرا مسئله منجی در همه ادیان الهی مطرح است و مهدویت در بین مسلمین و در اسلام تا آنجا مورد تأکید قرار گرفته که حتی موجب چالش شده است؟ آیا می‌توانیم بگوییم همان‌گونه که خداجویی ریشه در فطرت انسان دارد، امامت جویی هم امری فطری است و به همین خاطر همه انسان‌ها وارد این عرصه و حوزه می‌شوند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. وَ سَلَّمَ
امام زماننا حُجَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ
باور به مسئله منجی بشریت تقریباً عمومی و عام است و اکثریت به این مسئله اعتقاد دارند. علتش این است بشریت همواره مورد تعدی و ظلم عده‌ای قرار می‌گیرد و قرار گرفته است و بالطبع دنبال کسی می‌گردند که آنها را از این گرفتاری‌ها نجات بدهد؛ در این باره می‌توان به جلد اول کتاب «معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه» مراجعه کرد.

نکته دیگر این است که در کتاب‌های اهل سنت و کتاب‌های آسمانی، عهد عتیق، عهد جدید، کتاب‌های هندوها و... بشارت به منجی مطرح شده است. جالب این است که در روایت دارد که حضرت به عنوان منجی بشریت و نه منجی یک مکتب و مذهب و دین خاص ظهور خواهند کرد. طبعاً درباره یک دین خاص یعنی اسلام و مذهب آل محمد ص تبلیغ می‌کنند اما برای یک گروه خاصی برانگیخته نخواهند شد، (ان الله يبعثه غياثا للناس) چون همه درگیر و گرفتارند و مشکل دارند و همه دنبال منجی هستند. مضمون روایت این است که (يُظهِرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ) یعنی ظهور که می‌کند، سرزبان‌هاست، یعنی همه یاد حضرت هستند و نام ایشان را می‌برند و منتظر قدمش هستند.

● **شهید مطهری در جایی به این نکته اشاره می‌کنند که ما شیعه‌ها وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه را برای خودمان صادر کرده‌ایم و خیال می‌کنیم که حضرت متعلق به ماست، در صورتی که از آن همه و نیاز همه است و جناب‌عالی به زیبایی این موضوع را باز کردید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه از آن همه است، هر جا که مظلومی باشد؟**

بله، غیاثاً للناس. اما اینکه چرا در بین مذاهب اسلامی چالش وجود دارد؟ اصل مهدویت در بین مسلمین مورد قبول است و در کتاب‌های دست اول اهل سنت تحت عنوان اَشْرَاطُ السَّاعَةِ، علامات قیامت، یعنی قیامت به پا نمی‌شود تا ایشان ظهور کند، «حَتَّىٰ يَخْرُجَ لَكُمْ يَبْقَىٰ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمًا وَاحِدًا»، یعنی حتمیت ظهور قبل از قیامت. این موضوع تقریباً در تمام کتب اهل سنت آمده است. سه جلد اول کتاب «معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه» احادیث نبوی است و اکثر آن از منابع اهل سنت است. این حکایت از این دارد که مسئله مهدویت، فرهنگ و اعتقاد جا افتاده‌ای در بین همه مسلمین است.

● **به غیر از کثرت احادیث آیا از نظر اعتبار روایات هم به همین شکل است؟**
روایات اصل مهدویت متواتر است وقتی تواتر شد،



به کوشش حسن ابراهیم زاده

درآمد:

بعد از نماز ظهر و عصر در مؤسسه متبرک به نام «ولاء صدیقه کبری» حاضر شدیم، اتاق کوچکی در انتهای هال هم مخصوص مطالعه و مصاحبه با ایشان بود و بر روی دیوار آن، عکسی از حضرت امام خمینی و آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا طیبسی نجفی در کنار هم. آیت الله نجم الدین طیبسی فرزند همین شخصیت بزرگ، اینک استاد درس خارج فقه و اصول و یکی از مرزبانان حوزه اعتقادات شیعی است.

پرورش یافته بیت علم و فقاها و پارسایی، شاگرد اساتید برجسته مکتب نجف و قم و پرورش دهنده صدها شاگرد و ده‌ها محقق حوزه علمیه قم. او امروز پاسخگوی شبیهات به ویژه در بحث مهدویت است. مواضع عالمانه و مجاهدانه او از دوران نهضت و سپس انقلاب بر کسی پوشیده نیست، مواضعی که به تأسی از سیره بزرگانی چون امام و رهبری معظم و سایر مراجع عظام، ضمن حفظ حریم‌ها و حرمت‌ها، بنیان‌های فکری و اعتقادی طلاب جوان را در راستای مکتب اهل بیت علیهم السلام و نظام اسلامی قوام بخشیده است.

آیت الله حاج شیخ نجم الدین طیبسی در مؤسسه کوچک، اما پر بار و پرکار و پررفت و آمد از شخصیت‌های علمی ایران و جهان چون دیدبانی بصیر و آینده‌نگر متواضعانه و شجاعانه هر روز آخرین وضعیت جبهه خودی و حرکت امروز فردای دشمنان اسلام و انقلاب را به ویژه در حوزه اعتقادات رصد می‌کند و دیگران را چون خود به مقابله با التقاط و انحراف فرامی‌خواند.

دیگر بسند نمی خواهد. حالا یا تواتر معنوی یا اجمالی، بالاخره تواتر است. ابوغده یکی از علمای اهل سنت مصری گوید ما در زمینه مهدویت ۸۰ روایت داریم. همین برای ما بس است. فرض کنید در صحیح بخاری هم نیامده باشد. ما چرا اعتقادمان را به این کتاب ربط بدهیم؟ ایشان می گوید اسنادش همان اسنادی است که بخاری روایت های دیگر را نقل می کند. اگر روایت غیر مهدوی نقل شود، بخاری می آورد. ولی اگر روایت مهدوی باشد، نمی آورد. این مشکل خودش است. ما چرا دینمان را به بخاری گره بزنیم؟ مگر قبل از او مردم دین نداشتند؟

● افرادی حتی در عصر ائمه علیهم السلام هم ادعای مهدویت کردند؟

این هم یک نکته دیگر همین که مهدویت ادعا می شود معلوم می شود که اصلی هست. مثلاً کسی می خواهد پول رایج را تقلب و چاپ می کند. مثلاً ۵۰۰ تومانی و ۱۰۰۰ تومانی را تقلب می کند. ۹۰ تومانی را چاپ نمی کند، چون ۹۰ تومانی نداریم. خود این تقلب و تزویر دلیل بر این است که واقعی است وجود دارد. پس مسئله مهدویت بین همه مسلمین رایج است؛ اما چرا کم رنگ تر از تشیع است؟ حدس من این است که دست های اموی در کار بوده است. امویانی که سب امیرالمؤمنین علیه السلام را در منبرها، در حوزه ها و دانشگاه ها و مراکز فرهنگی و لشکری کشوری فرهنگ کرده بودند. این عساکر که یکی از بنی امیه است، عبارتی دارد به این مضمون که (لایقوم احد من بنی أمیه إلا سب علیا). ما وقتی بلند می شویم می گوئیم: یا علی! آنها بلند می شدند، نعوذ بالله، لعن می کردند.

جامعه های که نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام چنین جوی راه انداخته بودند، امام زمان علیه السلام فرزند ایشان است. چگونه تحمل کنند و اعتقادی را رواج بدهند که فرزند کسی است که سر منبر او را سب می کردند. به همین جهت در فقه آقایان، مخصوصاً سلفی ها، فقه امیرالمؤمنین علیه السلام کم است. چرا؟ چون سر منبر ایشان را سب می کردند، آن وقت بیایند و در حوزه ها فقهش را مطرح کنند؟ حذف می کنند. به این خاطر است که اینها سعی می کنند کم رنگ جلوه بدهند. اصلش را نمی توانند منکر بشوند، اما می توانند صورت مسئله را پاک کنند. می توانند تغییر بدهند. مثلاً بگویند «لا مهدی إلا عیسی».

این که می فرمایید چرا این موضوع به چالش کشیده می شود یا خیلی پررنگ نیست، مسئولش شبیخون فرهنگی ای است که امویین زدند که اعتبار و محوریت را به امام زمان علیه السلام ندهند. چرا؟ چون همین که محوریت را به امام زمان علیه السلام بدهند، معنایش این است که ثابت می شود که دارند اشتباه می کنند که به امیرالمؤمنین علیه السلام جسارت می کنند، چون امام زمان علیه السلام فرزند ایشان است. این یک بُعد قضیه است. بُعد دیگر قضیه این است که گاهی در کتاب های ایشان صورت مسئله را پاک می کنند. یکی همین «لا مهدی إلا عیسی» است.

● تحریف معنوی، تحریف مصداقی، موازی سازی؟

همین را معاویه به ابن عباس گفت. مناظره عجیبی است که این قصه در آن هست. یا به قول شما صورت مسئله را پاک می کنند. تحریف مصداقی

● و بدل سازی؟

از نسل کیست؟ از نسل عمر بن الخطاب یا فلان کس. یعنی این مسئله این قدر اهمیت دارد که می خواهند به نفع خودشان مصادره اش کنند. اصلش را نتوانستند منکر شوند. یا می گویند، «لا مهدی إلا عیسی» یا می گویند از نسل عمر بن الخطاب است. عباسیان هم همین طور. به نفع خودشان مصادره می کردند. یک وقتی عده ای از علمای ترکیه برای بحث رجعت آمده بودند، عربی هم خوب بلد بودند. در عربستان سعودی و این جور جاها درس می خواندند. صحبت از مهدویت شد و گفتند جزو اعتقادات ما نیست. از یک طرف خودشان می گویند هشتاد تا روایت دارند. مگر اعتقادات دیگران چند تا روایت دارد؟ نماز تراویح که می گویند شعار اهل سنت است، چند تا روایت دارد؟ سرخسی در کتال المبسوط می گوید نماز تراویح شعار اهل سنت است. چند تا روایت دارد؛ آن وقت این می شود شعار! مهدویت را که خودتان می گویند ۸۰ تا روایت دارد. ۸۰ تا روایت کم نیست. این همان رسوبات جریان امویین و جریان عباسیین است که صورت مسئله را پاک کنند و مصداق را کس دیگری جلوه می دهند و خلاصه به نحوی که با محوریت آل محمد علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام نباشد. روایات ما را نگاه کنید. در روایات ما در حوادث قبل از ظهور تعبیر «فدام المهدی» دارد. آنها هم می گویند، اما با تعبیر «اشراط الساعة» می گویند.

گنجی شافعی در کتاب «البیان» ثابت می کند که امام زمان علیه السلام الآن زنده است، البته اشتباه هم می کند و می گوید در سرداب زندگی می کند. بعد همین آقا

مهدویت می کنند!؟

مهدویت بانیابت؟

● می فرمایید نیابت، بعضی ها از نیابت هم عبور کرده اند. همین حالا ما چند تا پیامبر و امام زمان در زندان و غیر زندان داریم.

همین را می خواستم عرض کنم.

● در این مورد بیاناتی را بفرمایید

یک وقتی یک آقای بی ادعای نیابت کرده بود. او را بردند زندان و گفتند: «در اینجا چهارده تا مهدی هست. توناب کدماشمان هستی؟» گفت: «نمی دانم. باید برگه را نگاه کنم ببینم کدماشمان است.» به هر حال این کف است. تا سقف خیلی راه داریم. بعضاً ادعای نیابت می کنند. منتظر باشید که ادعای مهدویت و نبوت هم بکنند.

● و حتی بالاتر ادعای الوهیت.

بله، در روایت هست که ۶۰ نفر ادعای نبوت می کنند. پشت سر این ادعاها دست هایی هست. همان طور که در آن روزها پشت سر مخلوق بودن قرآن یا قدیم بودن، دست عباسیین بود. پشت سر مسئله قضا و قدر و همه چیز، پشت سر بحث جبر و تفویض و... پشت سر این اعتقادات امویین بودند که کسی اعتراضی نکند و حرفی نزند و همه باور کنند که حکومت امویین به اراده خدا بوده است. اگر کسی کشته هم بشود، خدا می کشد و به کسی ربطی ندارد. همین اعتقاداتی که الان آل سعود دارند. در تونل پنج هزار نفر را می کشند و بعد می گویند قضا و قدر است. بالا بر می افتد و هزار و اندی کشته می شوند. البته فقط حاجی کشته می شود و حتی یک مأمور

” در روایت دارد که حضرت به عنوان منجی بشریت و نه منجی یک مکتب و مذهب و دین خاص ظهور خواهند کرد. طبعاً درباره یک دین خاص یعنی اسلام و مذهب آل محمد علیهم السلام تبلیغ می کنند؛ منتهی برای یک گروه خاصی برانگیخته نخواهند شد؛ چون همه درگیر و گرفتارند و مشکل دارند و همه دنبال منجی هستند. همه به یاد حضرت هستند و نام ایشان را می برند و منتظر قدمشان هستند

هم کشته نمی شود. معجزه و هابیون بود که یک نفر از خودشان کشته نشد! در مانده هزار نفر کشته می شوند و می گویند جبر است. به هر حال این توجیه آقایان است و پشت سر این ادعاها، دیروز حکومت های فاسد اموی و عباسی بودند و امروز هم انگلیس و اسرائیل و آمریکا پشت سر قضیه هستند.

اسرائیل سال هاست پروژه جمع آوری روایات مهدویت را آغاز کرده است؛ واقعاً آنان در پی چه هستند؟ آیا می خواهند بفروشند و استفاده مادی کنند؟ نه، این نیست. آنان می خواهند ببینند نقاط آسیب پذیر و نقاط کور کدامند؟ از کجا می توانند رخنه کنند؟ اعتقادات شیعه نسبت به مهدویت چیست و نقاط چالشی که آن را به چالش بکشد. لذا بعد از آن، «هر دم از این باغ بری می رسد» یک روزی میمانی رسید، یک روز حسنی...

● یک روز احمد الحسن

یک روز هاشمی، یک روز پسر امام زمان علیه السلام، یک روز خود امام زمان علیه السلام. این برنامه های خودشان است. ممکن است اکثر شیعه ها علما را عرض نمی کنم

را به بهانه اینکه با مغول همکاری کرده، کشتند، در حالی که همکاری نکرده بود. در نماز شکمش را به خاطر همین کتاب پاره کردند. این جور نیست که همه قبول نداشته باشند. یک سری به خاطر رسوبات فکری ای که خودشان دارند به چالش می کشند. اینها تحت تربیت امویین و عباسیین هستند، والا اصلش را نتوانسته اند انکار کنند. هیثمی می گوید: «من انکر المهدی فقد کفر». حموی می گوید: «من انکر خروج المهدی فقد کفر؛ کسی که منکر مهدی بشود کافر است. چند عبارت از اهل سنت می آورم که می گویند روایات مهدویت متواترند. پس منکر نمی توانند بشوند.

● اشاره ای داشتید به حرکتی که توسط بنی امیه و بنی عباس لعنه الله علیهم انجام شده است که منجی های خود ساخته ای را با ویژگی هائی که خودشان داشتند، خلق می کردند، حالا این منجی سازی صیغه سیاسی یا اعتقادی داشته، بماند. اما امروز ما با یک نوع خود منجی پنداری روبه رو هستیم. یعنی می بینیم بعضی ها ادعای

نسبت به یمانی اطلاعات چندانی نداشته باشند. ولی دشمنان می دانند که دارند چه کار می کنند، لذا این مسائل را مطرح می کنند. پشت سر این ادعاها و جریانات دست های ناپاکی قرار دارند.

● **اشاره کردید که منتظر باشید که از این به بعد خیلی بیشتر هم بشود، دلیلش را هم از زبان جناب عالی بشنویم متغیم است، چون انقلاب اسلامی با دو محور عاشورا و مهدویت گره خورده است و بعد از انقلاب این دو دیواره به جریانی تبدیل شد، به فرمایش شما باید منتظر پیش از این باشیم.** یک وقت من خاطرات مایکل براون را مطالعه می کردم. ظاهر از عناصر رده بالای اطلاعات بریتانیا بود. خودش می گوید یک جلسه سری بود و مسئول اطلاعات اسرائیل و آمریکا و بریتانیا حضور داشتند. می گوید ما در حال حاضر با چالشی به نام انقلاب اسلامی روبه رو شده ایم و باید آن را محاصره کنیم. چه کار کنیم؟ گفتند اینها دو تا نقطه قوت دارند. یکی مسئله مرجعیت است و دیگری مسئله عاشورا است. ما باید کاری کنیم که در این دو تا نفوذ کنیم و این دو نقطه قوتشان را به شکست بکشانیم. کتاب اصلی او در دسترس نبود و مقداری از آن به دست من رسید. اجمالاً بعد از انقلاب اسلامی تازه به قدرت شیعه پی بردند. جسته گریخته چیزهایی می دانستند، مثل فتوای مرحوم میرزای شیرازی که توی دهان استعمار بریتانیا زد و با خفت از ایران اخراجشان کرد و در عراق هم مرحوم کاشانی، مرحوم خوانساری، مرحوم میرزای شیرازی با سیاست، دیانت و رفتارشان استعمار

یک جور حرف می زنند. همگی یک حرف می زنند، چرا؟ چون قدرت انقلاب را فهمیدند و متوجه شدند که قدرت انقلاب از کجاست. پشتوانه اش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است و پشتوانه اعتقادی شیعه، مهدویت است. اعتبار مرجعیت و ولی فقیه به چیست؟ اصل، مهدی عجل الله تعالی فرجه است. اینها کپی و نایب هستند. هیچ کس نمی گوید نعوذ بالله اینها امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستند. اینها نایب هستند، لذا از همان روز شروع کردند به آدرس عوضی دادن و جعل کردن مهدویت و در خود حوزه عمامه به سر ساختن. مثل کسی که الحمدلله ساکتش کردند. او می گوید نیابت ها و نواب خاص، دکان بوده است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه را هم شیخ طوسی و شیخ صدوق درست کرده اند تا مرجعیت خودشان تثبیت شود.

● **سرچشمه ای که جناب عالی به آن اشاره کردید، موجب می شود همان رهبر معظم انقلاب، یک مرجع شیعه، فرزند حضرت زهرا علیها السلام، نامه ترامپ را به آن شکل رد می کند، حتی به آن نگاه هم نمی کند، در فتنه سال ۸۸ وقتی اتفاقی می افتد، به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه استغاثه می کند و می گوید: «ای سید ما ای مولای ما من جان ناقابلیم دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که آن هم خود شما دادید...»**

اصل اوست

● **حالا دشمن می فهمد که مرکز قدرت کجاست. وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه که هم امام راحل و هم رهبری و مراجع دیگر به آن تکیه می کنند.**

همین که مهدویت ادعا می شود معلوم می شود که اصلی هست. مثلاً کسی می خواهد پول تزویر و تقلب کند، پول رایج را تقلب می کند. مثلاً ۵۰۰ تومان و ۱۰۰ هزار تومان را تقلب می کند. ۹۰ تومان را تقلب نمی کند، خود این تقلب و تزویر دلیل بر این است که واقعی و وجود دارد

و خوب می دانید که خطر فتنه ۸۸ از جنگ هشت ساله بیشتر بود و خوب می دانید که کشور تالب پرتگاه رسید.

● **به همین خاطر رهبری خطاب کرد که آقا! خودت یک کاری بکن.**

و او حفظ کرد. اعتقاد من این است. امروز دشمن نقطه قوت شیعه و رمز پیروزی انقلاب را فهمیده و می داند تا زمانی که این عقیده هست... یادم نمی رود یک مسیحی می گفت مادر طول سال کلی زحمت می کشیم، تبلیغ می کنیم، کتاب توزیع می کنیم و این محرم کار ما را به هم می زند. دهه محرم تمام برنامه های ما را به هم می ریزد. آنها خوب فهمیده اند که محرم است که کارشان را به هم می ریزد. امام حسین علیه السلام است که بساطشان را به هم می ریزد، لذا شروع به تضعیف اعتقادات شیعه کردند. یکی از ضدانقلاب های بی دین تهدید کرده بودند که این آخرین محرم شماست که در خیابان ها هستید. بعد از آن اگر باشید، این کار و آن کار را می کنیم. از محرم ناراحتند. تو که می گویی آزادی نیست و می خواهیم برای مردم آزادی بیاوریم، تو که داری جلوی آزادی را می گیری. یک نفر می خواهد در خیابان عزاداری کند و تو جلوی او را می گیری. پیدا است که اینها نقاط قوت

انگلیس را در آنجا شکستند، ولی مقطعی بود و هیچ وقت دنبال این نبودند که مسئولیت حاکمیت را بپذیرند.

● **به حاکمیت هم منجر نشد.**

ابداً، چون احساس خطر که می کردند حرف می زدند، ولی هیچ وقت دنبال این نبودند که حاکمیت را در دست بگیرند، بلکه مرحوم میرزای شیرازی پس از اینکه بر انگلیسی ها پیروز شد و جمعی رفتند که به ایشان تبریک بگویند، دیدند ایشان ناراحت است. عرض کردند شما چرا ناراحت هستید؟ فرمود از این ناراحتم که اینها نقطه قوت ما را فهمیدند. فتوا و مرجعیت نقطه قوت ماست و از این به بعد برای همین ها برنامه ریزی خواهند کرد. به هر حال جایگاه فقیه و حاکم جامع شرایط برای دشمن یک خطر جدی بود. از آن روز برنامه ریزی کردند. از استهزا به رساله عملیه شروع کردند. بعد استهزا به حضرت امام. بعد استهزا به مرجعیت تا مسئله مذهب و امامان. الآن می بینید که نسبت به ائمه علیهم السلام خط قرمز و وجود ندارد.

● **و حالا می خواهند به سراغ سرچشمه بروند.**

احسن! من تقریباً فضای مجازی را پیگیری می کنم و اخبار را می بینم. واهی ها، مسیحی ها، صهیونیست ها، سلفی ها، لائیک ها... همگی

را فهمیده اند. مهدویت امروز محور است. اساس حوزه ها، اساس مشروعیت نظام و اساس ولایت فقیه، مهدویت است، لذا دائماً برنامه ریزی می کنند.

● **استاد از شاخص ها بفرمایید چگونه مردم و نخبگان حوزه و دانشگاه بتوانند جنس بدلی را از جنس اصلی و طلا را از مطلا تشخیص دهند و بدانند این مدعی از اول یک آدم زاویه دار بوده است. شاخصه اش چیست؟ از کجا بفهمد؟**

من یک خطاب به عموم دارم و یک خطاب به بعضی از اهل علم.

خطاب به عموم این است که امروزه دوران فتنه و گمراه کردن مردم و آدرس عوضی دادن به مردم است و امام عصر عجل الله تعالی فرجه در این حوادث، ما را به فقها ارجاع داده اند. در دوران غیبت: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقْعَةُ فَأَجْعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا...» روات حدیث مراجع هستند. اگر می خواهید گمراه نشوید، چشم و تمام وجودتان متوجه حوزه های علمیه، مرجعیت و رهبری باشد. از او دستورو خط بگیرید. کس دیگری را در مسیرتان قرار ندهید. در این سلسله کس دیگری را قرار ندهید، چون امام ما را به این جهت ارجاع داده اند. این درخواستی است که از عموم مردم دارم. به بعضی از اهل علم که احياناً ممکن است بلغزند، ممکن است چیزی را بدانند و ده چیز را ندانند، سفارش می کنم که یک مقدار مطالعات مهدوی تان را بالا ببرید. به یک روایت و دوروایت اکتفا نکنید. مثل همین قضیه یمانی. سال گذشته داشتم با عجله وارد کلاس می شدم، دو نفر جلوی ما را گرفتند، حاج آقا! کار ضروری داریم. یمانی ظاهر شد. گفتم: شد که

شده! سلام ما را به او برسانید. با تعجب پرسیدند: یعنی چه؟ گفتم: من که منتظر یمانی نیستم. ما منتظر مهدی عجل الله تعالی فرجه هستیم. ما هیچ وقت جایی ندیده ایم که نوشته یا گفته باشند، «اللَّهُمَّ عَجَلْ فِي فَرَجِ يَمَانِي».

سنگ روی یخ شدند که خبر مهمی را برای من آورده اند. من نمی توانم او را متهم کنم. حسن ظن داشته باشم می گویم بی اطلاع است. تویک یمانی ای شنیده ای. یمانی چیست؟ کیست؟ از کجاست؟ آیا قیامش مشروع است یا نیست؟ اگر قیامش مشروع هم باشد، آیا من در برابر آن تکلیف دارم یا ندارم؟ آیا خودش آدم درستی هست یا نیست؟ این را باید بفهمیم. در روایت، درست بودنش خیلی برای ما روشن نیست. مثبت بودنش چندان برای ما روشن نیست. شما یک حدیث نعمانی را می بینید. همان یک حدیث راجع به مثبت بودنش و وجوب تبعیت از او است. سندش را هم دیده ای؟ این حدیث را برای من می آوری، پس از یمانی تبعیت کنید. من مقلد مرجع هستم. نه، رهائش کن. من مقلد رهبری هستم. رهائش کن. آیا نباید خودت فکر کنی که تبعیت از مرجعیت و ولایت فقیه، ده ها دلیل دارد. کتاب، سنت، اجماع، عقل. تو می گویی رشته ای را که با این همه دلیل به مرجعیت و ولی فقیه دارم، قطع کنم و وصل کنم به یمانی. باز هم زیر بار نرفتنند. سفارش من به بعضی از اهل علم این است که روایت را تنها نگاه نکنید. سند و معارضاتش را ببینید. نگاه کنید ببینید با اعتقادات می سازد؟ نمی سازد؟ این سفارش متواضعانه من است. سفارش منی که دوازده سال است خارج مهدویت می گویم. این بحث مهدویت گاهی ۸، ۷ ساعت وقت می برد.



مهدویت، آبرو، عزت و شرافت ما به اینهاست و به اینها بزرگ شده ایم. ما اگر در جامعه مورد احترام هستیم، خیال نکنیم مال خودمان است. لذا هر چه روش ما به امام معصوم علیه السلام نزدیک تر باشد، علاقه مردم به ما بیشتر می شود و هر چه زندگی و روش ما از امامان معصوم علیهم السلام فاصله بیشتری بگیرد، نفرت مردم زیادتر می شود. بنابراین باید بدانیم که اصل مهدویت است و باید در راه اعتلا و نشر این تفکر تلاش کنیم.

● **به الگو قرار دادن سیر و سلوک معصومین صلوات الله علیهم اجمعین اشاره کردید، نگاه رهبری انقلاب به ائمه اطهار علیهم السلام و دغدغه ایشان در جریان سبک زندگی معصومین علیهم السلام در زندگی مردم را چگونه می بینید؟**

یک بار در جلسه ای که به مناسبت شهادت آقا امام حسن عسکری علیه السلام بود از من دعوت کرده بودند که در جمع خود دفتر مقام معظم رهبری صحبت کنم. خود آقا هم تشریف آوردند؛ ۴۰ دقیقه صحبت هایی که کردم گوش دادند. بعد هم مداحی تمام شد و کمی با من صحبت کردند. جمعیت هم نشسته بودند. خدمت ایشان عرض کردم که من اول انقلاب، پاسدار اسلام را، پیگیر بودم و می خواندم. علتش دو تا مطلب بود. یکی استفتائات جدید امام که در آنجا چاپ می شدند، یکی هم بیانات حضرتعالی و تحلیل هایی که در باب ائمه علیهم السلام داشتید. اینها را با علاقه مطالعه می کردم و ای کاش این کار را ادامه می دادید. فرمودند گرفتاری ها اجازه نداد. عرض کردم که این تحلیل ها و واقعاتی که مناسبت به ائمه علیهم السلام تغییر داد، برداشت دیگری نسبت به ائمه

عالی می فرمایید، که ما وارد عصر فتنه شده ایم و حالا حالاها ادامه خواهد داشت. در ملاقات هایی که شما با حضرت آقا و سایر مراجع داشته اید ایشان بر روی این نکته تکیه کرده اند که پایه های اعتقادی حوزه باید مستحکم بشود؟ مطالبی را بفرمایید ممنون می شویم.

چند سال قبل که به قم مشرف شده بودند، من در بیروت بودم، اما بیانات ایشان را مطالعه کردم. نوبت بعد هم که به قم آمدند، باز همین مباحث اعتقادی را مطرح نمودند. روال علمای ما همین بوده. شیخ طوسی فقط تهذیب و استبصار و مبسوط دارد؟ خیر،

می خواهم بگویم بیش از یک دهه این درس را می گویم و هنوز در اولیات آن مانده ام و هنوز نتوانسته ام ۲۰ تا بحث را مطرح کنم. آن وقت شما از راه می رسی و یک روایت را می بینی می شود قول فصل و حرف نهایی. سفارش من به همه فرزندان عزیزم این است که گوش به فرمان رهبری و مراجع و هدایت و رهنمودهای آنها باشند و سفارش من به بعضی از اهل علم این است که فاز علمی تان را بالا ببرید. روایات را با دقت ببینید. لااقل همان طور که با روایات فقهی برخورد می کنید، سند را می بینید، معارض را می بینید. با روایات مهدویت هم این گونه برخورد کنید. این طور نباشد که یک روایت را ببینید و خیال کنید که نظر نهایی و قول فصل همان است.

یک وقتی در بین الحرمین، کربلای معلی، آقایی به من رسید و گفت: «صحبت های فلانی را شنیده ای؟» اسمش یادم نیست. یک وقتی عمامه داشت، حالا کراوات می زند، فردا اگر بگویند لباس زنانه بپوش، می پوشد. پرسید: «روایت قیام ها را دیدید؟ صحبت های ایشان را شنیدید؟» گفتم: «قبل از اینکه ایشان به روایت قیام ها استناد و محکوم کند من در سبش را گفته ام». گفت «می گوید این انقلاب طاغوت است». گفتم: «تو خیال می کنی ایشان در آمریکا روایت را دیده و من که در حوزه قم هستم ندیده ام؟»

سفارش من به عزیزان این است که احتمال بدهید که این روایت یمانی ای که شما دیده اید، صد نفر دیگر از علما هم دیده باشند. در کتاب ها هست. چرا مثل تو ترتیب اثر نداده اند؟ چون آنها با حدیث و معارضات آشنا هستند. اما تو چه؟ یک حدیث رادیده ای. نه بررسی سندی کرده ای، نه بررسی دلالتی کرده ای. نه کتاب شناس هستی، نه معارضین و نه هیچ چیز دیگری را خوانده ای و تحت تأثیر همین یک روایت قرار گرفته ای. حرف من به تو این است که تک و تنها جلو نرو و روایت هایی را که سبب انحراف و لغزش می شوند، با اهل فن در میان بگذار.

● **این عدم جامعیت و برخورد سطحی با روایات که اشاره فرمودید جامعه را در حوزه اعتقادات ضربه پذیر کرده است. حضرت آقا در یکی از فرمایشاتشان فرمودند تا چند قرن پیش حوزه ما حوزه کلام و اعتقادات بود و ایشان خیلی برای امر اهتمام می ورزیدند. با این وضعیتی هم که حضرت**

” **اصل مهدویت در بین مسلمین مورد قبول است و در کتاب های دست اول اهل سنت تحت عنوان اَشْرَاطُ السَّاعَةِ، علامات قیامت، یعنی قیامت به پا نمی شود تا ایشان ظهور کند، «حَتَّىٰ يَخْرُجَ لَوْلَمَ يَبْقَىٰ مِنَ الدَّيْنِ إِلَّا يَوْمَ وَاحِدٍ»، یعنی حتمیت ظهور قبل از قیامت. این موضوع تقریباً در تمام کتب اهل سنت آمده است**

معصومین علیهم السلام پیدا کردم که جایگاه و مقامشان این است. ایشان اظهار تأسف کردند که چرا دنبال نشد. بعد هم همانی را که چاپ شده بود برایم فرستادند.

● **در سال ۱۴۰۰ که با نیمه شعبان آغاز شده و با نیمه شعبان دیگر پایان خواهد رسید، چه پیامی برای مردم و متولیان فرهنگی دارید؟**

پیام من این است که اول بحث هایتان مهدوی باشد و آخر بحثتان هم مهدوی باشد. یعنی شروع و ختم با مهدویت. استادام می فرمودند وظیفه دارید اول منبر را با مهدی شروع و آخر را با مهدی تمام کنید. جلسه ای بود. موقعی که تمام شد، عرض کردم: «اول جلسه را که با مهدی شروع کردید، آخر جلسه را هم با مهدی تمام کنید.» ایشان رو به قبله ایستادند و دعای فرج را خواندند. این هم بشارتی است که بیشتر به مهدویت بپردازیم. شروع سال جدید با مهدویت و پایان آن نیز با مهدویت است. امیدوارم خداوند عزوجل شما را در خدمت به گسترش اندیشه مهدویت و یاری امام زمان علیه السلام یاری کند.

● **خداوند هم وجود شما را تحت عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام برای حوزه های علمیه محفوظ بدارد.**

کتاب اعتقادی دارد. ابوالصلاح حلبی کتاب اعتقادی دارد. علامه حلبی کتاب های اعتقادی دارد. «نهج الحق» و «منهاج الکرامه» و ده ها کتاب دارد. اشارات و بیانات رهبر معظم انقلاب هم به این است که ما باید به مسائل اعتقادی بپردازیم. نمی خواهیم بگویم که فقه و اصول نباشد. نخیر حوزه ها دارالفقاهه هستند. ولی معنایش این نیست که کم بگذاریم. مثلاً ۳۰۰ تا درس کفایه، ۴۰۰ تا درس رسائل و ۶ تا درس اعتقادات باشد. الآن به فقه تهاجم نمی شود. از این مرحله عبور کرده اند و حالا به اعتقادات تهاجم می کنند. آیا ما متناسب با این تهاجم درس گذاشته ایم؟ نهایتاً ده تا درس. آیا این جوابگوست یا نیست؟

الآن دغدغه مقام معظم رهبری هم همین است. آیت الله وحید، همین دغدغه را دارند، یک وقتی خدمت آیت الله صافی هم که بودیم، همین مسئله را مطرح کردند. خود آقای صافی «حفظه الله» را هم ببینید که چند کتاب فقهی دارند و چند کتاب کلامی دارند. منتخب الاثر هم می نویسند و کتاب های متعدد فراوانی را در مسائل اعتقادی نوشته اند. الآن دغدغه هر عالم دلسوزی همین مسئله اعتقادی است و ما هم باید بیشتر به این مسئله بپردازیم، مخصوصاً مسئله